

آتش‌هایی که شاهنشاه سوزاند!

علیحضرت انگشت‌های چسبناکشان را به شلوارشان مالیدند و گفتند: «مرحوم پدرمان، رضا شاه فقید، از همان روزگار

بجگی ما چند تا پیر و پاتال نفل‌ه دنبال ما روانه کرده بود، تا عطسه می‌زدیم می‌پریدند بسترِی‌مان می‌کردند که بله، ولیعهد سرما خورده‌اند. تا ببوست می‌گرفتیم رنگ از روی همه‌شان می‌پرید که بله، مزاج مبارک ولیعهد امروز کار نکرده است، تا ... اما البته از وقتی خودمان را شناخته‌ایم دیگر بچه‌نه نبوده‌ایم و نیستیم. اگر بحرین از کفمان رفت، مال آن وقت‌هایی بود که هنوز بچه بودیم و شب‌ها می‌ترسیدیم تنها‌ی برویم دست‌شویی... بیا ببین حالا چه آتشی توی ظفار می‌سوزانیم! در این دوروبرها کسی حریف‌مان نیست. برای همین است که می‌فرماییم اگر رأی مبارک‌مان تعلق بگیرد، می‌توانیم مثل شاه‌عباس کبیر، مثل شخص شاه بشویم... بله، ما با شاه‌عبان بی‌هم رفیق گرمابه و گلستانیم، با اسماعل یک‌دست و ابرام سیاه و... اینها را البته پنهان نگه می‌داریم ولی خوب... تو قزلباش داشتی و ما هم داریم».

علیهضرت ساکت شدند و با شیفتگی به شاه‌عباس کبیر نگاه کردند و با لحنی ملایم گفتند: «ولی خوب... خیلی دل‌مان می‌خواهد که اسم ما هم مثل اسم شخص شما برود در کتاب‌های تاریخ و داستان تا آیندگان بدانند ما چه شخص بر دل و جراتی بودیم و...»

محمدعلی‌علومی
شاهنشاه در کوچه دلگشا
 وقایع‌نگاری (و ایضا سیاه‌بازی)
 انتشارات سوره مهر
 صفحات ۵۶ و ۵۷

درباره ورود دولتمردان به بهشت!

در انجیل لوقا آمده است: «ورود شتر به سوراخ سوزن، آسان‌تر از ورود سرمایه‌داران و دولتمردان به ملکوت اعلاست.»

محسن قرائتی
ترجمه و تفسیر قرآن کریم
 سوره اعراف، آیه ۴۰
 صفحه ۱۵۵

ستاد شخصی جنگ امیراتور

امپراتور الکساندر خود همراه ارتش اول بود اما فرماندهی کل را نپذیرفته بود. در دستورها ذکر می‌شد که عملیات در حضور اعلیحضرت (و نه تحت فرمان او) صورت خواهد گرفت. البته امپراتور ستادی هم که در‌خور فرماندهی کل باشد در اختیار نداشت، فقط ستاد شخصی امپراتور بود و زیر نظر رئیس ستاد و سرکرده آجودان‌های مخصوصش پرنس والکونسکی قرار داشت و از ژنرال‌ها و آجودان‌های نظامی و آجودان‌های مخصوص و مستشاران امور دیپلماتی و گروه‌بی‌شماری خارجی‌ان تشکیل می‌شد از اینها گذشته از آچگی‌یِف وزیر سابق جنگ، کنت بنیکسین ارشد ژنرال‌ها، والاحضرت پرنس تسارویچ کنستانتین پاولویچ (ولیعهد)، کنت رومیانتسف رئیس دفتر مخصوص، شستاین وزیر سابق پروس، آرمفلد ژنرال سوئدی، پفول طراح عمده نقشه نبرد، ژنرال آجودان پاولوچی پناهنده ساردنی، ولتسوگن و نامداران بسیار دیگری از وابستگان به این ستاد بودند. گرچه این اشخاص هیچ‌گونه سمت نظامی نداشتند اما به علت نام و اعتبارشان صاحب‌نفوذ بودند و اغلب فرماندهان سپاه و حتی فرمانده کل نمی‌دانستند که مثلاً بنیکسین یا والاحضرت تسارویچ یا آراچگی‌یِف، یا پرنس والکونسکی به چه اعتباری از آنها سؤال یا به صورت توصیه از جانب امپراتور به آنها ابلاغ می‌شود و اطاعت از آنها اجباری نیست یا به عکس واجب است.

لئون تولستوی جنگ و صلح سروش حبیبی

نشر نیلوفر - جلد ۳، صفحه ۹۱۶

همین الان خودت را بساز!

مبارزه با شیطان در پیری خیلی کم اثر دارد. سن و سالت هم که بالا برود، تصمیم هم کم‌قوت می‌شود. لذا باید همین الان که دوران، دوران دم است و جوان هستی، خودت را بسازی و درمان کنی اما وقتی مزاجت بلغمی شد، تصمیم هم بلغمی می‌شود و دیگر رمق ندارد باباجان!

عبدالکریم حق‌شناس
مواظ

[سلسله مباحث اخلاقی آیت‌الله حق‌شناس] (قم: انتشارات مطبع، ۱۳۹۳) - جلد ۳، صفحه ۷۱

جنایت در رفح

گاهی لازم بود تمام یک روستا قلع‌وقمع شود، گرچه لازم نبود به یکباره این کار انجام شود.

در ژانویه ۱۹۷۲، ارتش اسرائیل ۶ هزار روستایی عرب را از رفح در شمال شرقی سینا بیرون کرد.



پیامبر اعظم (ص):

کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
 مدیر‌عامل: رضا شکیبایی
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
 پیام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
 چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گفت‌وگوی «وطن امروز» با شه‌ریار شفیع‌ی، مترجم کتاب «صبح شبّات»

سپیده‌دم بیداری جهان



«رزمنده‌های حماسا که ۷ اکتبر به اسرائیل حمله کردند، عمداً جوان‌هایی بودند که زبان خشونت را از بمب‌هایی آموخته بودند که اسرائیل سال‌ها بر سرشان ریخته بود». این جملات، بخشی از چیزی است که ایلان پایه، مورخ اسرائیلی در کتاب خود تحت عنوان «صبح شبّات» نوشته است. «شبّات» واژه‌ای عبری است به معنی «شنبه» و این روز در یهود از جایگاه و احترام ویژه‌ای برخوردار است. عملیات توفان‌الاقصی که نقطه‌ی عطفی در تاریخ جنگ بین اسرائیل و فلسطین است، از صبح شنبه ۱۷ اکتبر به راه افتاد و باعث شد توجه جهانیان به سرزمینی معطوف شود که حتی بر سر نامش نیز توافقی وجود ندارد. سازمان ملل نام اسرائیل را پذیرفته اما حالا دیگر با قاطعیت می‌توان گفت افکار عمومی جهان فلسطین را اصلی‌تر و اصل می‌داند. گذشته از اینکه صهیونیست‌ها در میدان‌های نظامی و امنیتی به چه نقطه‌ای رسیده‌اند یا ترسیده‌اند، آنچه مسلم به نظر می‌رسد این است که عرصه فرهنگی و افکار عمومی جهان را به طور کل باخته‌اند. این‌ را گاهی در میان اقرارهای خود آنها هم می‌توان یافت. حالا همه دارند درباره ریشه این نزاع هم بحث می‌کنند و اینکه اساسا مورخان اسرائیلی یا یهودی و یا هواداران آنها بسیار راهگشاستر است.

کتاب «تاریخ مختصر جنگ اسرائیل و فلسطین» نوشته مورخ شناخته‌شده اسرائیلی «یلان پایه» است که با ترجمه شهریار شفیع‌ی از سوی انتشارات امیرکبیر راهی بازار کتاب شده است. شهریار شفیع‌ی نام کتاب را به «صبح شبّات» تغییر داده که برای این کار دلایل خاصی دارد. ایلان پایه در این کتاب می‌نویسد: «جنگ بین اسرائیل و فلسطین، از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ شروع نشده است. ریشه‌های این جنگ عمیق‌تر از این سال‌هاست و حتی به گذشته‌ای دورتر از زمان تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد. پایه به عنوان مورخ، در این کتاب بدون تحت تأثیر قرار گرفتن از مسائل سیاسی و وجود

دوقطبی‌های موجود، به بررسی ریشه‌های این جنگ و زمینه شکل‌گیری آن می‌پردازد و آغاز آن را اواخر قرن ۱۹ یعنی زمانی که فلسطین تحت سلطه عثمانی‌ها بود، قلمداد می‌کند. این کتاب تلاشی است از سوی نویسنده برای روشن کردن اصول و مبانی اساسی جنگ اسرائیل و فلسطین و هر کسی که مخالف ظلم و بی‌عدالتی باشد، مباحث این کتاب را راحت‌تر درک خواهد کرد.» گفت‌وگوی ما با شهریار شفیع‌ی، مترجم کتاب «صبح شبّات» را در ادامه می‌خوانید.

■ **جناب آقای شفیع‌ی! چه چیزی باعث شد سراغ ترجمه این کتاب بروید و این کتاب چه ویژگی‌هایی داشت که شما برای ترجمه انتخابش کردید؟**

پس از انتشار ترجمه‌ام از کتاب «من شیرین ابوعاقله هستم» که در واقع ورود جدی‌ام به دنیای ترجمه حرفه‌ای بود، مدتی به عنوان سرگرمی در سایت‌ها و خبرگزاری‌های مرتبط با کتاب‌های خارجی می‌گشتم و دنبال اثری تازه می‌گشتم. در همین گشت‌وگذارهای اینترنتی، با آشنایی پیشینم از ایلان پایه، به کتاب «تاریخ مختصر جنگ اسرائیل و فلسطین» برخوردم که دقیقاً در اکتبر ۲۰۲۴، یعنی سالگرد عملیات توفان‌الاقصی منتشر شده بود. به نظر می‌رسد همین سالگرد بوده که جرقه نگارش این اثر را در ذهن پایه زده است. ویژگی اصلی کتاب، روایت فشرده اما دقیق یک قرن درگیری است؛ از اواخر قرن نوزدهم تا امروز. پایه با زبانی روان و ساده، بدون پیچیدگی‌های آکادمیک، تاریخ را برای مخاطب عام قابل فهم کرده است و از طرفی من اثر آقای پایه را به ۲ دلیل واجد صلاحیت ترجمه دانستم که یکی نظر او درباره عملیات توفان‌الاقصی بود که آن را نتیجه سال‌ها بمب‌هایی می‌دانست که اسرائیل بر سر فلسطینیان ریخته بود و دیگری او را مورخ با‌تصافی یافتم؛ با اینکه خودش اسرائیلی است و سال‌هاست در بریتانیا زندگی می‌کند.

■ **در عنوان اصلی اثر «تاریخ مختصر جنگ اسرائیل و فلسطین» را می‌بینیم؛ چه چیزی باعث شد عنوان «صبح شبّات» را به عنوان نام اصلی کتاب انتخاب کنید؟**

عنوان اصلی انگلیسی کتاب، تاریخ مختصر جنگ اسرائیل و فلسطین است اما پایه در مقدمه به لحظه‌ای اشاره می‌کند که عملیات توفان‌الاقصی در صبح شبیه (شبّات) آغاز شد؛ لحظه‌ای که برای اسرائیلی‌ها نماد امنیت و آرامش بود، تا‌جَهان به نماد فروپاشی اسطوره شکست‌ناپذیری‌شان تبدیل شد. «صبح شبّات» نه فقط اشاره به زمان عملیات، بلکه نماد پارادوکس تاریخی است: روز مقدس یهودیان که قرار بود روز استراحت و امنیت باشد، به روز آغاز یک تحول بزرگ در مقاومت فلسطین بدل شد. چون یهودی‌ها اعتقاد دارند خداوند در ۶ روز زمین و آسمان را خلق کرد و روز هفتم نمودباله به استراحت پرداخت؛ از این رو آنها هم شبّات [شنبه] را به همین امر اختصاص می‌دهند. از طرفی نوعی بازی زبانی هم بود که صبح عبری

نه‌چندان! چالش اصلی من به عنوان مترجم، نه زبان کتاب، بلکه ناآگاهی عمیق بخش بزرگی از مخاطبان ایرانی – از جمله خودم – از این تاریخ فلسطین و اسرائیل بود. حسرت می‌خوردم که چرا این اندازه از ریشه‌های مساله بی‌خبریم، چون به نوعی تاریخ ابزاری است دست صهیونیست‌ها تا با آن خود را مظلوم نشان بدهند. به خاطر همین، آگاهی از این تاریخ بسیار مهم است و گرنه زبان آقای پایه بسیار روان بود که در ترجمه کوشیدم همین سادگی و روانی را به فارسی منتقل کنم تا خواننده بدون مانع زبانی به عمق ماجرا برسد.

■ **در بخشی از کتاب به این پرسش پرداخته شده که چرا غزه بزرگ‌ترین زندان روی زمین است؛ مختصات این تعبیر و شرایط انسانی که به آن اشاره شده چه شکلی است؟**

غزه یک نوار باریک ساحلی به مساحت حدود ۳۶۰ کیلومتر مربع است که بیش از ۲ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند؛ تراکمی وحشتناک. بیش از نیمی از ساکنان زیر ۱۸ سال هستند. این منطقه از سال ۲۰۰۷ در محاصره کامل اسرائیل است: مرزهای زمینی، دریایی و هوایی بسته، ورود کالا کنترل شده و خروج انسان تقریباً غیرممکن است. پایه غزه را «بزرگ‌ترین زندان روباز جهان» می‌نامد؛ تعبیری که خودش کتابی هم با همین عنوان نوشته است. دیوارهای بتنی، برج‌های نگهبانی، تیربارهای خودکار و سیستم‌های نظارتی پیشرفته، غزه را به یک آزمایشگاه کنترل انسانی تبدیل کرده‌اند. مردم از ابتدایی‌ترین نیازها محرومند اما نه به خاطر اینکه ذاتاً آن منطقه محروم است، بلکه این یک محرومیت تحمیل شده است. این نه یک وضعیت اتفاقی، بلکه یک سیاست آگاهانه برای تضعیف و تسلیم است.



■ **این اثر به لحاظ الهام‌بخشی بر خواننده ایرانی و بازتاب تصویر روشنی از مقاومت در فلسطین تا چه اندازه می‌تواند مؤثر باشد؟**

هنوز زود است تأثیر دقیق آن را سنجد؛ کتاب تازه منتشر شده و نیاز به زمان دارد تا به دست مخاطبان برسد اما اهمیت آن در همین است که فراموشی و تحریف تاریخ، بزرگ‌ترین سلاح اسرائیل بوده است. سال‌هاست با روایت مظلوم‌نمایی، افکار عمومی جهانی را فریب داده‌اند. این کتاب، با روایتی خلاصه اما مستند، ابزار مقاومت است. وقتی خواننده ایرانی می‌فهمد که مساله فلسطین نه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شده و نه از ۱۹۴۸، بلکه ریشه در پروژه استعماری اواخر قرن نوزدهم دارد، نگاهش به مقاومت تغییر می‌کند. دیگر مقاومت را یک واکنش احساسی نمی‌بیند، بلکه یک پاسخ تاریخی و مشروع به اشغال می‌بیند.

■ **در انتفاضه‌های فلسطینی که به علل وقوع آن در کتاب هم اشاره شده، چه نوع مقاومتی به لحاظ فرهنگی در فلسطین در جریان است؟**

ببینید، مقاومت فقط جنبه نظامی و عملیاتی نداشته است. مثلاً یکی از راه‌های حفظ فرهنگ و هویت فلسطینی خاطره‌گویی بود. به این صورت که پدران و مادران و افراد قدیمی‌تر خاطرات رویدادها، محله‌ها و مناسبت‌های فرهنگی را به فرزندان خود و نسل جوان منتقل می‌کردند. یا به عنوان مثال در نوع پوشش و لباس‌های محلی که به نوعی روی آنها میلیه‌دوزی کار شده بود و مختص آن منطقه بود اینها را حفظ می‌کردند. ■ کتاب به پیوند تاریخ و فرهنگ در خاورمیانه اشاره دارد. فکر می‌کنید این اثر چگونه می‌تواند به غنی‌سازی گفت‌وگوی فرهنگی بین جوامع ایرانی و فلسطینی کمک کند؛ به عبارت دیگر چه نقطه اشتراکی بین این ۲ فرهنگ می‌توان یافت؟

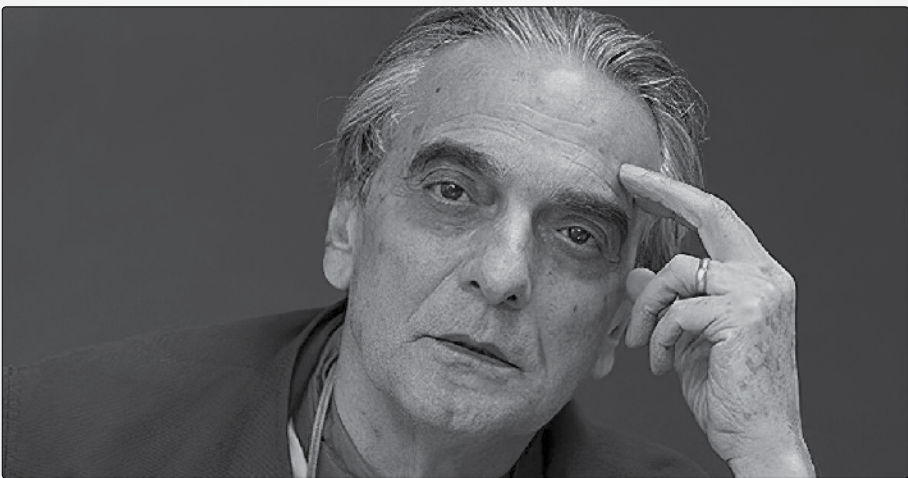
ما حداقل اگر بخواهیم به طور خلاصه اشاره کنیم ۲ اشتراک مهم داریم که برای گفت‌وگو و همدلی فرهنگی بین ما و فلسطینیان می‌تواند مؤثر باشد. یکی دین اسلام است. اینکه ما هر ۲ مسلمانیم و برخلاف دروغ‌هایی که گفته می‌شود فلسطینیان ناصبی نیستند. آنها دوستدار اهل بیت و ائمه هستند و حتی در غزه مساجدی به نام ائمه دارند. پس یکی از این نکته اشتراکات دین اسلام است. نکته بعدی این است که ما هر ۲ زخم‌خوردۀ اسرائیل هستیم. اقدامات اسرائیل چه زمانی که در گذشته داخل کشور ما دانشمندان و نخبگان ما را ترور کرده و خرابکاری‌هایی انجام می‌داد و چه اخیراً در همین جنگ ۱۲ روزه، منجر به این شده که ما زخم مشترک داشته باشیم و اینها زمینه‌هایی برای قربات و همدلی ما در جهت تقویت جبهه مقاومت می‌تواند باشد.

همایون ارشادی، هنرپیشه پیشکسوت سینما و تلویزیون دیروز در ۷۸ سالگی درگذشت

یادگاری روزهای گذشته

همایون ارشادی در تلویزیون هم مجموعه‌های متعددی بازی کرد. او اساساً بازیگری نبود که حضورش در فیلم‌ها و سریال‌ها با یک کارمزی ویژه همراه باشد؛ هر پیشنهادی را می‌پذیرفت و نسبت به جهت‌گیری‌های آن فیلم یا سریال یا میزان اثربخشی حضورش در آن حساسیت زیادی نشان نمی‌داد. با این حال پس از گذشت چند دهه تا نام همایون ارشادی می‌آمد، همه بلافاصله به یاد آن ۲ اثر مهم و آن نقش تأثیرگذار که در ابتدای راه با آنها معرفی شد می‌افتادند؛ «طعم گیلاس» و «درخت گلابی» انگار همایون ارشادی به شکل خودکار و غیربرنامه‌ریزی شده‌ای به نماد آن دوران و آن سینما، آن هم در روزهای اوجش تبدیل شده بود. حالا نه کیارستمی در این دنیاست نه مهرجویی و از دیروز همایون ارشادی هم دیگر در میان ما نیست. دیگر کم‌کم باید پذیرفت که این چهره‌ها جزو تاریخ هستند، هرچند تاریخ معاصر ما و احتمالاً بسیاری از ما با فیلمسازان و بازیگرانی مواجه خواهیم شد و هم‌عصر می‌شویم که پس از درگذشت این افراد یا به دنیا گذاشته‌اند.

رشته پیوند عجیبی است؛ ما مخاطب معاصر فیلمسازان و هنرپیشه‌هایی بودیم که از ۱۳۴۹، یعنی قبل از تولد اکثریت جامعه امروز کار می‌کردند و احتمالاً مخاطب کسانی خواهیم شد که پس از درگذشت آنها به دنیا می‌آیند. این حقیقت زیست در این دنیاست.



داشت. ارشادی در فیلم‌های خارجی مهمی هم بازی کرد که اکثر این نقش‌ها کوتاه بود و البته در آثار خارجی دیگری هم نقش‌های پررنگ‌تری داشت که به طور کل کمتر می‌شد اثر برجسته‌ای در میان‌شان دیده؛ فیلم‌هایی که ایرانی‌ها بیشتر از تماشای آنها، به اخبارش یعنی حضور یکی از خودشان در یک فیلم خارجی دل خوش می‌کردند.

ازدواج یا بزنبهادرهای عامه‌پسند را بازی کند، ناگهان در قلب مهم‌ترین آثار سینمای روشنفکری ایران پدیدار شد. و سپس از آن در آثار متعدد دیگری هم بازی کرد و اساساً بسیار پرکار بود؛ از کارهای کاملاً عامه‌پسند گرفته تا فیلم‌های سینمایی روشنفکری که هیچ‌کدام محبوبیت و موفقیت طعم گیلاس و درخت گلابی را تکرار نکردند، حضور